

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمله روسیه به اوکراین از منظر نظریه چانه‌زنی

ساجده السادات جعفری^۱

مجید محمدشریفی^۲

چکیده

چرا رهبران روسیه و اوکراین در مقام کنش‌گرانی عقلانی، علی‌رغم آگاهی از پرهزینه بودن جنگ، این گزینه را انتخاب کردند و چرا مذاکره به‌عنوان مسیری کم‌هزینه‌تر برای حل اختلافات شکست خورد؟ گرچه می‌توان با استناد به نقش عوامل فردی و روان‌شناختی و تمرکز بر نحوه تصمیم‌گیری افراد اثرگذاری همچون رئیس‌جمهور روسیه و یا بهره‌گیری از نظریه‌های ساختاری همچون توازن قدرت یا توازن تهدید بدین پرسش پاسخ داد، اما این مقاله بر آن است تا با غرض-نظر از سطح تحلیل خرد و کلان رایج در روابط بین‌الملل و در مقابل، با اتکاء به یافته‌های نظریه چانه‌زنی جنگ و به طور خاص دو عامل غیرقابل تقسیم بودن موارد محل اختلاف و مشکل تعهد، دلایل توسل به جنگ را در حمله اخیر روسیه به اوکراین تبیین کند. یافته‌های مقاله گویای آن است که از یک‌سو غیرقابل تقسیم بودن موضوع سیاست گسترش ناتو به شرق و از سوی دیگر عدم اعتماد روسیه به تعهد اوکراین برای عدم عضویت در ناتو مهم‌ترین عوامل وقوع جنگ در سال ۲۰۲۲ بودند.

▪ واژگان کلیدی:

جنگ اوکراین، نظریه چانه‌زنی جنگ، موضوعات غیرقابل تقسیم، مشکل تعهد، کاهش قدرت نسبی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. sajedehsadatjafarii@gmail.com

^۲. نویسنده مسئول و استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. sephan81@gmail.com

مقدمه

پس از انجام مانورهای نظامی و اعزام بی‌سابقه نیروهای جنگی، سرانجام در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۰) ولادمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، فرمان حمله نظامی تمام‌عیار به اوکراین را صادر کرد. تا پیش از آغاز جنگ، مقامات روسیه با قطعیتی خلل‌ناپذیر، هرگونه تهاجم نظامی را انکار کردند و بر این مدعا بودند که اوکراین درگیر تنش‌آفرینی در دونباس است و غرب با حمایت کامل، کی‌یف را به چنین تنش‌آفرینی، تشویق می‌کند. پیش از این و در اواسط دسامبر ۲۰۲۱، روسیه با انتشار دو پیش‌نویس از توافق‌های انجام‌شده با ناتو و آمریکا، به صراحت خواسته‌های خود را مشخص کرده بود، اینکه ناتو دیگر به سمت شرق گسترش نیابد و برای تحقق این منظور تضمین‌هایی الزام‌آور، دریافت کند. در ابتدا مقامات اروپا و آمریکا، آمادگی برای مذاکره در باب کنترل تسلیحات را پذیرا شدند اما به صراحت خواسته عدم پیوستن اعضای جدید به ناتو را رد کردند؛ امری که از مهم‌ترین دلایل حمله روسیه به اوکراین بود.

با در گرفتن جنگ در اوکراین و سایه انداختن شبه بحرانی فراگیر در اروپا، برخی ناظران بر آن شدند تا فهم این پرسش را در خود بیدار کنند که چه عواملی سبب سر برآوردن جنگ اوکراین و حمله نظامی گسترده روسیه شد؟ چرا با وجود تجربه نه‌چندان بعید جنگ جهانی دوم و در یاد ماندن تلفات سنگین آن، شاهد جنگی وحشت‌افکن در شرق اروپا هستیم؟ این پرسش بنیادین، مدخلی برای ورود به مناظرات گسترده در بین تحلیل‌گران و اندیشمندان مطالعات جنگ و روابط بین‌الملل شد. بی‌شک هر یک از تحلیل‌گران بسته به جهان‌بینی و بینش نظری خود و همچنین انتخاب یکی از سطوح تحلیل در تبیین علل جنگ (Waltz, 1959) بر عوامل و دلایلی خاص تمرکز می‌کنند و ناگفته پیداست که مقامات روسیه و غرب نیز هریک بسته به منافع، دیگری را عامل یا دلیل اصلی وقوع جنگ معرفی می‌کنند. به مانند هر رویداد دیگری در سیاست بین‌الملل، انتظار اتفاق نظر در بین تحلیل‌گران، انتظاری ناممکن است. با وجود این، با پرداختن به روند تحولات منتهی به جنگ، اظهارات مقامات دو طرف و بهره‌گیری از یافته‌های نظری در مطالعه جنگ می‌توان بر این پیچیدگی‌ها و افتراق نظرها، پرتویی افکند.

با عطف نظر به پیچیدگی‌های نظری و تفاوت‌ها در سطوح تحلیل برای توضیح منطق چرایی حمله روسیه به اوکراین، در این مقاله بر آنیم تا با تمرکز بر یافته‌های نظریه چانه‌زنی جنگ، چرایی ترجیح جنگ بر مذاکره از سوی مقامات روس و اوکراین را تبیین کنیم. به بیانی دیگر، مقصودمان آن است تا بدین پرسش پاسخ دهیم که چرا رهبران روسیه و اوکراین علی‌رغم آگاهی از هزینه‌های جنگ، بر آن شدند فرجام اختلافات خود نه از راه مذاکره بلکه با

توسل به جنگ حل‌وفصل کنند؟ در راه نیل بدین مقصود و پاسخ به این پرسش، در ابتدا نگاهی به سیر تطور اختلافات روسیه و اوکراین و تحولات پیش از آغاز تهاجم نظامی خواهیم داشت. در بخش دوم به بررسی طرح خواسته‌های روسیه از ناتو و اوکراین و دلایل اختلاف دو طرف خواهیم پرداخت. در بخش سوم، کمک‌های نظامی غرب به اوکراین به‌عنوان عاملی در برهم‌زدن توازن نسبی قدرت و زمینه‌ساز عدم اعتماد روسیه به تعهدات اوکراین را بررسی خواهیم کرد و در بخش پایانی نیز با استناد به داده‌های حاصل، به تطبیق دو عامل غیرقابل تقسیم بودن موضوعات محل اختلاف و مشکل تعهد به‌عنوان دلایل اصلی سر برآوردن جنگ اوکراین می‌پردازیم.

چارچوب نظری: نظریه چانه‌زنی جنگ. تحلیل نظری جنگ، همواره مهم‌ترین مقصود پژوهشی اندیشمندان روابط بین‌الملل، به‌ویژه نظریه‌پردازان واقع‌گرا بوده است (Waltz, 1979). باوجود این، ناخرسندی‌ها از یافته‌های نظری واقع‌گرایان ساختاری در تبیین چرایی وقوع جنگ (Schelling, 1960 ; Morrow, 1994) سبب شد تا به‌تدریج، اندیشمندان این حوزه، دلایل وقوع این پدیده ویرانگر را در علل و سطوحی دیگر جستجو کنند؛ امری که به سر برآوردن نظریه‌هایی متنوع در مطالعات جنگ منتهی شد. از جمله مهم‌ترین این نظریه‌ها، مدل چانه‌زنی جنگ است که با مفروض پنداشتن، عقلانی بودن کنشگران در سیاست جهانی، بر آن شده است تا چرایی وقوع جنگ را تبیین کند.

کانون توجه خردگرایان^۱ در روابط بین‌الملل، تعاملات بین کنشگران است. تمامی تلاش اینان آن است که رفتارها را بر اساس ترجیحات کنشگران، باورهای آن‌ها درباره دیگران و جهان، ساختار نظام که محدودیت‌هایی را بر اقدامات آن‌ها و رقیب تحمیل می‌کند و اطلاعات در دسترس، تبیین کنند. خردگرایان (و برخی دیگر از اندیشمندان) معتقدند، نظریه‌های واقع‌گرایی که توزیع قدرت در سطح نظام بین‌الملل یا سطح دوجانبه را به‌احتمال وقوع جنگ ربط می‌دهند، از لحاظ نظری ناقص‌اند؛ چراکه در تعیین سازوکار علی^۲ که ساختار نظام بین‌الملل را به جنگ یا صلح منتهی می‌کند، ناتوان هستند. نظریه چانه‌زنی جنگ این پیوند علی را بین انگیزه‌های خرد و فرآیندها و نتایج کلان برقرار می‌کند.

نظریه چانه‌زنی جنگ با نکته روشنی آغاز می‌شود؛ اینکه جنگ هزینه‌بر است. جنگ و سایر اشکال منازعاتِ خشونت‌آمیز راه‌هایی ناکارآمد برای حل مناقشات هستند؛ زیرا منابعی را که می‌توان بین دشمنان توزیع کرد از بین می‌برند. در اصل، باید توافقی از مسیر مذاکره وجود

^۱. Rationalists

^۲. causal mechanism

داشته باشد که دو طرف آن را به جنگ ترجیح دهند. این استدلال که مدت‌ها برای اقتصاددانان آشنا بود، توسط بلینی^۱ وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد. در استدلال بلینی آمده که اختلاف نظر بر سر «قدرت نسبی»^۲ عامل اصلی جنگ است. اگر دشمنان، انتظاراتی یکسان از نتیجه احتمالی جنگ داشته باشند، باید بتوانند درباره چگونگی پایان جنگ از مسیر مذاکره به توافق برسند. توافق بر اساس نتیجه احتمالی جنگ بر جنگ واقعی^۳ ترجیح داده می‌شود؛ چراکه این توافق بدون نیاز به پرداخت هزینه‌های اقتصادی و انسانی جنگ، به هر دو طرف همان نتیجه‌ای را می‌دهد که از جنگ انتظار داشتند. با وجود این، اگر یک طرف انتظار داشته باشد که از مسیر جنگ، دستاورد بیشتری کسب کند، جنگ را انتخاب خواهد کرد. استدلال بلینی، استدلالی نیرومند است، گرچه محدودیت‌هایی هم دارد. گرچه بلینی از این واقعیت که جنگ پرهزینه است به‌عنوان نقطه عزیمت مدل خود استفاده کرد؛ اما هیچ‌گاه اندازه این هزینه‌ها را در تحلیل خود تعیین نکرد. افزون بر این، وی اهمیت موضوعات مورد بحث و در نتیجه ارزش خطرات برای کنشگران را نیز در نظر نگرفت.

استدلال بلینی، مبتنی بر بینشی مهم بود؛ اما به لحاظ نظری کاستی‌هایی داشت. نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی در علوم سیاسی (Fearon, 1995 ; Powell, 2002 ; Wagner, 2000)، با در نظر داشت ایده اصلی بلینی و توسعه آن، این مدل را به نظریه منطقی درباره جنگ تبدیل کردند. این نظریه با نام «مدل چانه‌زنی جنگ» شناخته می‌شود. نظریه چانه‌زنی جنگ با طرح این معما آغاز می‌شود که چرا علی‌رغم این واقعیت که جنگ بسیار پرهزینه و ابزاری ناکارآمد برای حل و فصل اختلافات است، همچنان رخ می‌دهد؟ فیرون در مقام نظریه‌پرداز اصلی مدل چانه‌زنی جنگ بر این باور است که هر نظریه‌ای درباره جنگ ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهد که چه عاملی مانع از دستیابی کنشگران به یک توافق از مسیر مذاکره می‌شود؟ وی می‌پذیرد که متغیرهای روان-شناختی می‌توانند به این پرسش پاسخ دهند و اینکه شخصیت‌ها^۴ یا سوگیری‌های شناختی و عاطفی^۵ (Jervis, 1976) رهبران سیاسی ممکن است آن‌ها را به انتخاب جنگ به جای یک راه‌حل از مسیر مذاکره سوق دهد. وی همچنین بر آن است که گاه منافع سیاسی داخلی رهبران، چرایی انتخاب جنگ به‌جای توافق از مسیر مذاکره را تبیین می‌کند.

¹. Blainey

². relative power

³. actual war

⁴. personalities

⁵. cognitive or emotional biases

فیرون با کنار گذاشتن متغیرهای یادشده [عوامل روانی و داخلی]، بر کنشگران یکپارچه عقلانی^۱ (یعنی کنشگرانی با مجموعه واحدی از علایق یک‌دست^۲ که سعی در به حداکثر رساندن آن‌ها دارند) متمرکز و این پرسش را پیش می‌کشد که چگونه این کنشگران، علی‌رغم آگاهی از پرهزینه بودن و ناکارآمدی جنگ در حل اختلافات، همچنان به انجام آن اقدام می‌کنند؟ فیرون نشان می‌دهد که تنها با وجود سه دسته از شرایط، کنشگران یکپارچه عقلانی، جنگ را ترجیح می‌دهند؛ این سه دسته عبارت‌اند از: اطلاعات خصوصی^۳ و انگیزه‌هایی برای ارائه نادرست آن اطلاعات، مشکلات تعهد^۴ و مسائل غیرقابل تقسیم^۵. مطالعات فیرون نشان می‌دهد اگر هیچ یک از این شرایط وجود نداشته باشد، همواره «فضای چانه‌زنی»^۶ برای نتایج و دستاوردها وجود دارد که دو طرف آن را به جنگ ترجیح می‌دهند.

سازوکار اطلاعات خصوصی بر استدلال بلینی استوار شده است و بر اساس آن، اختلاف‌نظر بر سر قدرت نسبی و در نتیجه بر سر نتیجه احتمالی جنگ، یکی از دلایل اصلی جنگ است. با وجود این و در حالی که بلینی سرچشمه این اختلافات را در ادراک نادرست روان‌شناختی^۷ (و در نتیجه عوامل غیرعقلانی) جستجو می‌کند، فیرون بر مفهوم کلی‌تر اطلاعات خصوصی همراه با انگیزه‌هایی برای ارائه نادرست این اطلاعات تأکید دارد. اگر یک طرف، از عوامل اثرگذار بر نتیجه جنگ (عواملی همچون، قابلیت‌های نظامی خود، سیستم‌های تسلیحاتی جدید، استراتژی‌های نظامی، نیت متحدان برای حمایت نظامی یا اقتصادی، عزم خود (و شهروندانش) برای جنگی طولانی و پرهزینه در صورت لزوم و غیره) اطلاعاتی داشته باشد و در مقابل، طرف دیگر فاقد این اطلاعات باشد، ارزیابی‌های دو طرف از نتایج احتمالی جنگ، متفاوت خواهد بود. اگر تفاوت در ارزیابی از هزینه‌های جنگ، تفاوتی قابل توجه باشد، کنشگر دارای اطلاعات به احتمال فراوان، خواسته‌های بیشتری طلب می‌کند و یا امتیازات کمتری به طرف مقابل خواهد داد و در نتیجه احتمال جنگ وجود خواهد داشت. کنشگران می‌توانند از طریق سازوکار اطلاعات خصوصی و افشای این اطلاعات که سبب آگاهی مشترک و در نتیجه انتظارات یکسان از نتیجه جنگ می‌شود، از خطر جنگ جلوگیری کنند. مشکل اینجاست که دولت‌ها برای عدم افشای اطلاعات خصوصی درباره قابلیت‌ها، دکترین‌ها و استراتژی‌های نظامی

1. unitary rational actors

2. homogeneous interests

3. private information

4. commitment problems

5. indivisible issues

6. bargaining space

7. psychologically driven misperception

یا سایر ملاحظات^۱ که ممکن است بر نتیجه جنگ و در نتیجه قدرت چانه‌زنی نسبی آن‌ها تأثیر بگذارد، انگیزه‌های قوی دارند. (Goemans, 2000 ; Slantchev, 2003 Wagner, 2000)

سازوکار علیّ دوم که ممکن است دو کنشگر عقلانی را به انجام جنگی پرهزینه سوق دهد، مشکل تعهد^۲ است (Fearon, 1995 ; Wagner, 2000, 2007 ; Powell, 1999, 2006)

سازوکاری که حتی در شرایط وجود اطلاعات کامل هم می‌تواند عمل کند. اگر توزیع نسبی قدرت بین دو دولت در حال تغییر باشد (به بیانی دقیق‌تر، اگر یک یا هر دو دولت تصور کنند که قدرت نسبی احتمالاً در آینده تغییر خواهد کرد) این انتظار تغییر قدرت، دستیابی به توافقی که دو طرف آن را به جنگ ترجیح می‌دهند، دشوار می‌سازد. موقعیتی را تصور کنید که در آن قدرت یک کنشگر در حال افزایش است و انتظار می‌رود از قدرت رقیب پیشی بگیرد. در چنین موقعیتی حتی اگر اطلاعات مربوط به قابلیت‌های نظامی دو طرف، نه اطلاعاتی خصوصی بلکه اطلاعاتی کاملاً عمومی و در دسترس همگان باشد، به‌طوری که بر اثر این اطلاعات هر دو طرف انتظارات یکسانی از نتیجه احتمالی جنگ داشته باشند و اینکه با جنگ چیزی بیشتر از مذاکره حاصل نخواهند کرد، باز هم رسیدن به یک توافق برای جلوگیری از جنگ دشوار می‌شود. اما دولت ضعیف‌تر در حال افزایش قدرت، برای دستیابی به توافق انگیزه‌هایی دارد؛ چراکه احتمال می‌دهد اکنون و در هر جنگی شکست بخورد. افزون بر این، این دولت به خوبی می‌داند که در آینده برای مبارزه یا به‌دست‌آوردن آنچه می‌خواهد بدون جنگیدن به دست آورد، در موقعیت بهتری خواهد بود. در مقابل، دولت در حال افول، ممکن است درباره دوام یک توافق از مسیر مذاکره تردید داشته باشد. دولت رو به افول می‌داند که اگر قدرت، همان‌طور که انتظار می‌رود به نفع رقیب در آینده تغییر کند؛ رقیب برای طرح خواسته‌های جدید انگیزه‌هایی خواهد داشت، امتیازات بیشتری را طلب خواهد کرد و در صورت عدم اعطای این امتیازات، به‌زور متوسل خواهد شد. حتی اگر رقیب، اکنون خواهان انجام توافق باشد و احترام به این توافق را نیز تضمین کند، کنشگر رو به افول، چگونه می‌تواند اطمینان یابد که پس از تغییر بنیادین شرایط و در زمانی که دشمن، قدرت قهری برای گرفتن امتیازات بیشتر و قدرت نظامی برای اجرای آن امتیازات را خواهد داشت، باز هم به توافق احترام و آن را اجرا خواهد کرد؟

سومین سازوکار عقلانی که می‌تواند زمینه‌ساز جنگ باشد، سازوکار مسائل غیرقابل تقسیم است (Fearon, 1995). هر توافقی که دو طرف آن را بر جنگ ترجیح دهند، باید بر سازش

¹. considerations

². commitment problem

استوار باشد و انتظارات یکسان دو طرف از نتیجه احتمالی جنگ و در نتیجه توزیع قدرت بین دو دولت را بازتاب دهد. چنین توافقی نیازمند تقسیم برابر و متناسب^۱ امتیازات مورد اختلاف^۲ است، این تقسیم برابر خود مستلزم این است که بتوان مسائل مورد اختلاف را تا بی‌نهایت^۳ تقسیم کرد. حال اگر مسائل، قابل تقسیم نباشند بی‌تردید، تقسیم برابر و متناسب آن‌ها نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

از مجموع یافته‌های نظری مدل چانه‌زنی جنگ چنین برمی‌آید که شاخص‌های این نظریه برای تبیین جنگ روسیه و اوکراین را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد: دسترسی یکی از طرفین به اطلاعات خصوصی و محرمانه و یا انگیزه تحریف اطلاعات درباره قدرت نظامی دشمن، عدم اطمینان و اعتماد به تعهدات دشمن و غیر قابل تقسیم بودن موضوعات محل اختلاف سبب می‌شود تا طرفین منازعه به‌جای مذاکره، جنگ را برای پایان دادن به اختلافات انتخاب کنند. با کاربست یافته‌های این مدل نظری بر جنگ روسیه و اوکراین به‌خوبی می‌توان دریافت که از بین سه سازوکار یاد شده، موارد دوم و سوم یعنی مشکلات تعهد و غیرقابل تقسیم بودن موضوعات محل اختلاف، مهم‌ترین دلایل سر برآوردن جنگ بین دو کشور هستند. برای آزمون این ادعا و تطابق این شاخص‌ها با جنگ روسیه و اوکراین در ادامه با بررسی این دو سازوکار، چرایی وقوع جنگ را تبیین خواهیم کرد؛ گرچه ناگفته پیداست که در تبیین جنگ روسیه علیه اوکراین متغیرهای دیگری چون برداشت رهبران و یا ارزیابی از زمان خاتمه جنگ و دستیابی به یک پیروزی فوری نیز نقش داشته‌اند که مجال دیگری برای بررسی می‌طلبند. در ادامه با بررسی خواسته‌های روسیه از اوکراین، تطبیق دو یافته نظری مدل چانه‌زنی جنگ با جنگ دو کشور را بررسی خواهیم کرد.

۱. اختلافات روسیه و اوکراین: از الحاق کریمه تا تهاجم نظامی تمام‌عیار

گرچه برخی تحلیل‌گران بر آنند تا سرمنشأ اختلافات روسیه و اوکراین را به سال‌های پایانی جنگ سرد و فرآیند جدایی‌کی‌یف از مسکو بازگردانند؛ اما سیر تطور حوادث گویای آن است که ریشه جنگ کنونی اوکراین را باید در حوادث سال ۲۰۱۴ و الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه جستجو کرد. در این سال اعتراضات مردمی علیه ویکتور یانوکوویچ^۴ دولتی که از حمایت بی‌دریغ روسیه برخوردار بود؛ آغاز و گسترش یافت. یانوکوویچ که به حمایت خلل‌ناپذیر

1. proportionate division

2. stakes in dispute

3. infinitely

4. Viktor Yanukovich

روسیه مستظهر بود، با خودداری از پیشبرد توافقی‌های انجام شده با اتحادیه اروپا، زمینه تنش‌های سیاسی در داخل اوکراین و انجام اعتراضات مردمی را در سال ۲۰۱۳ فراهم کرد (Higgins, 2014). بر اساس گزارش‌های منتشرشده در جریان این اعتراضات که در ماه فوریه برگزار شد، بیش از ۱۰۰ تن جان خود را از دست دادند (Bigg, 2022). دامنه این اعتراضات تا بدان حد گسترش یافت که دو دسته از ملی‌گرایان اوکراینی و نیروهایی را که از نزدیکی اوکراین به روسیه حمایت می‌کردند، در مقابل یکدیگر قرار داد. در واقع در این اعتراضات، نگرانی‌های امنیتی از پیامدهای نزدیکی به غرب یا دوری از روسیه به مهم‌ترین موضع محل اختلاف دو طرف تبدیل شد (سمیعی اصفهانی و فرهمند، ۱۴۰۱: ۲) در نهایت گسترش این اعتراضات، زمینه‌های انقلاب اوکراین در سال ۲۰۱۴ را فراهم کرد (Conant, 2014).

در اثر انقلاب مردم اوکراین در این سال، یانوکوویچ در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ (۲ اسفند ۱۳۹۲) با امضای معاهده صلحی با رهبران مخالف، وعده برگزاری انتخابات آزاد، کاهش قدرت ریاست جمهوری و تشکیل دولت موقت را داد، وعده‌هایی که از سوی مخالفان رد شد؛ چراکه آنان خواهان کناره‌گیری یانوکوویچ از قدرت بودند. با تداوم اعتراضات در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ (۳ اسفند ۱۳۹۲) مجلس اوکراین در نشست اضطراری به عزل یانوکوویچ رأی داد (D'Anieri, 2019). مهم‌تر آنکه دولت موقتی که پس از سرنگونی یانوکوویچ، حکومت را در اختیار گرفت، بلافاصله با امضای توافق تجاری با اتحادیه اروپا، نخستین نشانه‌ها از تمایل اوکراین برای پیوستن به این اتحادیه را آشکار کرد. تمایل اوکراین برای پیوستن به اتحادیه اروپا، بی‌تردید نگرانی‌های امنیتی و سیاسی روسیه را از پیامدهای چنین تصمیمی برانگیخت. با انجام این توافق، برای بسیاری از ناظران آشکار بود که روسیه به سبب درک تاریخی خود از اقدامات غرب در منطقه، به تصمیم سران کی‌یف واکنش نشان خواهد. هنوز یک ماهی از تحولات اوکراین نگذشته بود که در مارس ۲۰۱۴، نیروهای روسیه کنترل منطقه کریمه اوکراین را به دست گرفتند. با حمله نیروهای روسیه به اوکراین، نیروهای نظامی این کشور در ۲۷ فوریه ۲۰۱۴، پارلمان و ساختمان‌های اداری شبه‌جزیره کریمه را تصرف و پرچم روسیه را بر فراز این ساختمان‌ها برافراشتند. در ادامه نیروهای روسیه، فرودگاه‌های سواستوپل^۲ و سیمفروپل^۳ را تصرف کردند. در ادامه، یک کشتی نیروی دریایی روسیه بندر بالاکلاوا^۱ در نزدیکی سواستوپل را که نیروهای گارد دریایی اوکراین در آنجا مستقر بودند، محاصره و بالگردهای روسیه به

^۱. Sevastopol

^۲. Simferopol

^۳. Balaklava

سمت کریمه حرکت کردند. (D'Anieri, 2019: 1). در توجیه این اقدام، ولادیمیر پوتین بر ضرورت حمایت از «حقوق شهروندان روسی و روسی‌زبانان» در شبه‌جزیره کریمه و جنوب شرق اوکراین اشاره کرد (CFR, 2022). هجده روز بعد ساکنان شبه‌جزیره کریمه در یک همه‌پرسی مناقشه‌برانگیز به پیوستن به فدراسیون روسیه رأی دادند و ولادیمیر پوتین نیز اسناد الحاق کریمه به فدراسیون روسیه را امضا کرد.

با این اقدام، دو بخش جمهوری خلق دونتسک^۱ و جمهوری خلق لوهانسک^۲ از اوکراین جدا شدند. در ۷ آوریل، نیروهای طرفدار روسیه ساختمان‌های دولتی در دونتسک، خارکیف^۳ و لوهانسک در شرق اوکراین را تصرف کردند و خواستار برگزاری همه‌پرسی در مورد استقلال این مناطق شدند. نیروهای نظامی اوکراین روز بعد بار دیگر کنترل خارکیف را به دست گرفتند، اما تلاش‌ها برای بازپس‌گیری دو منطقه دیگر منجر به جنگ بین اوکراین و روسیه شد که تا فوریه ۲۰۱۵ ادامه داشت (Van Tol and et.al, 2022: 8) با وجود این و علی‌رغم الحاق کریمه به روسیه، جنگ همچنان در مناطق شرقی اوکراین به‌ویژه منطقه دونباس^۴ با شدت تمام ادامه یافت. دامنه جنگ به مناطق غربی اوکراین نیز گسترش یافت که در نتیجه آن بیش از ۱۳ هزار تن از سربازان و شهروندان اوکراینی کشته شدند. با فرجام این جنگ‌ها، مرزهای روسیه و اوکراین دستخوش تغییر شد. در نهایت رخدادهای سال ۲۰۱۴ با امضای توافق مینسک^۵ با حضور روسیه، اوکراین، فرانسه و آلمان در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ (۲۳ بهمن ۱۳۹۳) موقتاً پایان یافت (Allan, 2022). چارچوب توافق شامل مقرراتی برای آتش بس، خروج تسلیحات سنگین و کنترل کامل دولت اوکراین در سراسر منطقه درگیری بود. با این حال، تلاش‌ها برای دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک و راه حل رضایت‌بخش ناموفق بود (BBC, 2015).

در آوریل ۲۰۱۶، ناتو اعلام کرد که چهار گردان را به اروپای شرقی اعزام خواهد تا از این طریق نیروهای چرخشی در استونی، لتونی، لیتوانی و لهستان برای جلوگیری از تجاوز احتمالی روسیه در سایر نقاط اروپا، به ویژه در بالتیک، مستقر شوند. در سپتامبر ۲۰۱۷ نیز ایالات متحده آمریکا دو تیپ مجهز به تانک را برای تقویت بیشتر حضور ناتو در منطقه در لهستان مستقر کرد (Sharkov, 2017). در ادامه و در ژانویه ۲۰۱۸، ایالات متحده آمریکا تحریم‌های

1. Donetsk People's Republic

2. Luhansk People's Republic

3. Kharkiv

4. Donbas

5. Minsk Accord

جدیدی را علیه بیست و یک فرد از جمله تعدادی از مقامات روسی و نه شرکت مرتبط با درگیری‌های شرق اوکراین اعمال کرد (Eckel, 2018). در مارس ۲۰۱۸، وزارت امور خارجه آمریکا فروش تسلیحات ضد تانک به اوکراین را تایید کرد که اولین فروش تسلیحات مرگبار از زمان آغاز درگیری بود (VOA News, 2018). در نهایت در اکتبر ۲۰۱۸، اوکراین به ایالات متحده آمریکا و هفت کشور دیگر ناتو در مانور هوایی در غرب اوکراین پیوست (RFE/RL, 2018).

با پیروزی ولادیمیر زلینسکی در انتخابات سال ۲۰۱۹ اوکراین و تمایل وی برای گسترش روابط با غرب، بر همگان روشن بود که بحرانی دیگر در زهدان بی‌ثبات سامان سیاسی منطقه در شرف زاده شدن است. عدم موفقیت زلینسکی برای برقراری صلح با روسیه در منطقه دونباس و تداوم تنش‌ها در این منطقه سبب حضور مجدد بیش از ۹۰ هزار تن نیروهای روسی در مرزهای اوکراین شد (Karmanau, 2021). گزارش‌های نهادهای اطلاعاتی نشان می‌داد روسیه در فوریه ۲۰۲۲ برای حمله‌ای گسترده به اوکراین آماده می‌شود. گزارش‌های رسانه‌های غربی نشان می‌دهد، از آغاز نبردهای شبه نظامیان داوطلب اوکراینی و نیروهای دولتی علیه جدایی طلبان شرق اوکراین در دونباس، مسکو از آنچه «جمهوری‌های مردمی»^۱ دونتسک و لوهانسک نامیده می‌شود، با کمک‌های تسلیحاتی حمایت می‌کند. علاوه بر این، ارتش روسیه سه لشکر جدید که از نظر جغرافیایی نزدیک به مرزهای اوکراین بودند را مستقر کرد. تا پیش از آنچه انقلاب میدان^۲ در اوکراین نامیده می‌شود، روسیه هیچ نیروی نظامی را مرز اوکراین مستقر نکرده بود (Wolfgang Richter, 2023). نهایتاً در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۰)، حمله گسترده نیروهای روسی به طور رسمی آتش جنگ با اوکراین را شعله‌ور کرد.

نگاهی اجمالی به سیر تطور روابط روسیه و اوکراین از سال ۲۰۱۴ تاکنون نشان می‌دهد که دو طرف با در نظر داشت نگرانی‌هایی متفاوت به اقدامات متقابل واکنش نشان دادند. آگاهی تاریخی روسیه از ماهیت حقیقی کنش‌های غرب در منطقه و نگرانی پایدار مسکو از کوشش‌های غرب برای تغییر ماهیت ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی منطقه از یک سو و تکوین آگاهی نوین در بین رهبران اوکراین برای پیوستن به نهادهای اروپایی و کوشش برای فراهم کردن امنیتی استراتژیک در روابط با روسیه، کاشتن بذره‌های اختلافاتی را سبب شد که در نهایت به جنگی تمام‌عیار در سال ۲۰۲۲ منتهی شد.

^۱. Volksrepubliken

^۲. Maidan-Revolution

۲. دیدگاه‌های متفاوت به دلایل جنگ روسیه و اوکراین

موضوعاتی مانند جنگ همچون، دیگر موضوعات جهان سیاست بین‌الملل، آن چنان پیچیده و نا روشن هستند که به‌ناچار برای تبیین دلایل وقوع آن‌ها به یافته‌های نظری رجوع می‌کنیم. باوجود این، از آنجا که به سبب ماهیت نظریه‌پردازی در جهان اجتماعی، تمامی نظریه‌ها بر آن‌اند تا با ساده‌سازی واقعیت‌ها و تمرکز بر وجوه خاصی از رویدادهای جهانی، تحولات را تبیین کنند، هیچ نظریه واحدی را نمی‌رسد که بتواند نگاهی جامع از حوادث عرضه و تحولات آتی را نیز پیش‌بینی کند (Walt, 2022). مهم‌تر اینکه حتی استقرار یافته‌ترین نظریه‌های جهان اجتماعی یعنی نظریه‌هایی که از استحکام و انتظام استواری نیز برخوردار هستند، در بطن خود همواره نقاط ابطال‌پذیری را حمل می‌کنند که سازگاری یافته‌های آنان با برخی رویدادهای خاص را ناممکن می‌سازد. از این رو در عرصه روابط بین‌المللی، برای هر تحلیل‌گری، پرداختن به تمامی نظرگاه‌ها و امعان نظر به یافته‌های آنان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به یبانی رساتر می‌توان به طرح این دیدگاه خطر کرد که نظریه در پی توصیف امر واقع نیست، بلکه در مقام تبیین وضعی است که باید پرتویی بر پیچیدگی‌های منطقی آن بیافکند. این امر، سبب می‌شود تا در تبیین هر رویدادی به‌ناچار نگاهی اجمالی به یافته‌های سایر نظریه‌ها، ضروری شود.

جنگ روسیه و اوکراین نیز از این قاعده عام، مستثنا نیست. وقوع این جنگ سبب شد تا تحلیل‌گران از چشم‌اندازهای نظری متفاوت، دلایل آن محل بحث و نظر قرار دهند. در حالی که بسیاری از آثار منتشر شده در غرب، بی‌هیچ تردیدی روسیه را مسئول اصلی جنگ می‌دانند، اما یک اقلیت سرسخت از نویسندگان با اتخاذ موضعی شبیه به مقامات مسکو بر این باورند که غرب و اوکراین، روسیه را در شرایطی قرار دادند که چاره‌ای جز اقدام نظامی نداشت.^۱ گرچه در هر تفسیری از جنگ، در نظر داشتن یکی از طرف‌های درگیر در مقام مسئول جنگ، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما تأملی در تمامی جنگ‌های تاریخ حکایت از آن دارد که یک‌سویه‌نگری در معرفی دولت‌های مسئول، همگی در اثر فرآیند‌گزینشی بودن اطلاعات و تفسیر دلبخواهانه داده‌ها انجام شده است که در بهترین حالت ناقص و در بسیاری از موارد گمراه‌کننده بوده‌اند. حتی برخی از چهره‌های سرشناس سیاست بین‌الملل نیز گاه از چنین لغزشی مصون نمانده‌اند. به‌عنوان مثال جان مرشایمر اندیشمند شهیر آمریکایی؛ «بحران

^۱ . به‌عنوان مثال نگاه کنید به:

Peter Rutland, "Geopolitics and the Roots of Putin's Foreign Policy," *Russian History* 43, 3-4 (2016): 425-436 and Michael E. Aleprete, Jr., "Minimizing Loss: Explaining Russian Policy: Choices during the Ukrainian Crisis", *Soviet and Post-Soviet Review* 44 (2017): 53-75.

اوکراین را ناشی از اشتباه غرب می‌داند^۱» (Mearsheimer, 2014). سرزنش کردن رهبران برای آغاز جنگ اغلب بدان سبب انجام می‌شود که اندیشمندان، سیاست‌گذاران را در انتخاب گزینه‌های پیش رو کنشگرانی عقلانی و آزاد در نظر می‌گیرند. حتی آن دسته از آثاری که در نسبت دادن مسئولیت جنگ به افراد احتیاط بیشتری دارند، بر توانایی رهبران در شکل‌دهی به رویدادها تأکید می‌کنند و در تبیین انتخاب‌های پیش روی رهبران به محدودیت‌های سیاسی بین‌المللی و داخلی التفاتی ندارند. برخی تحلیل‌گران از غرب به سبب آنچه انجام داده و برخی دیگر به سبب آنچه انجام نداده انتقاد می‌کنند (Stoner and McFaul, 2015). در تمامی این تفاسیر، فرض بر آن است که رهبران دولت‌ها در گزینش انتخاب‌های خود آزادی فراوانی دارند. با وجود این، تأملی در منطق رهبران در انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های مختلف، گویای آن است که اینان از چنین آزادی برخوردار نیستند. رهبران دولت‌ها اغلب برای انتخاب گزینه‌های پیش رو به‌ویژه در شرایط بحران با محدودیت‌های فراوانی مواجه می‌شوند. این امر ضرورت توجه به عواملی بیش از عوامل فردی را در تبیین علل جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

در مجموع نظریه‌های مختلفی را که به تبیین دلالتی جنگ در معنای عام و جنگ روسیه و اوکراین به طور خاص پرداخته‌اند، می‌توان در چند دسته قرار داد. واقع‌گرایان با تکیه بر پیش-فرض‌های چون آنارشیک بودن نظام بین‌الملل و فقدان یک نیروی تضمین‌کننده امنیت برای تمامی دولت‌ها برآنند که در محیطی چنین هابزی و منازعه‌پرور، تمامی دولت‌ها نگران امنیت و بقاء خود هستند و مهم‌ترین عامل تأمین امنیت را نیز قدرت می‌دانند (Waltz, 1979). این ترس پایدار و نگرانی همیشگی از بقاء گاه دولت‌ها را به سمت آغاز جنگی مهیب سوق می‌دهد. برای واقع‌گرایان حمله روسیه به اوکراین بازگوکننده نگرانی مسکو از تضعیف امنیت و چالش بقاء است. برخی واقع‌گرایان نیز با تأکید بر تداول "عدم قطعیت"^۲ ذاتی روابط بین‌الملل بر آنند که دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند از امنیت خود اطمینان حاصل کنند به همین سبب به ناچار به کوشش برای رسیدن به جایگاه قدرت هژمون و جلوگیری از سر برآوردن یک رقیب ادامه می‌دهند (Mearsheimer, 2001). دولت‌ها نمی‌توانند هیچ‌گاه "معمای امنیتی"^۳ را مرتفع سازند و به همین سبب در زهدان سامان منازعه‌پرور روابط بین‌الملل، جنگ همواره در شرف زاده شدن است. این معما به این سبب در روابط بین‌الملل ظهور می‌کند که اقدامات یک دولت برای تأمین امنیت، به ناامنی سایر دولت‌ها ختم می‌شود. از این نظرگاه، روسیه در مقام

¹. "The Ukraine Crisis Is the West's Fault"

². Uncertainty

³. security dilemma

قدرتی بزرگ، تنها راه تأمین امنیت خود را کسب و حفظ جایگاه هژمونی در منطقه پیرامونی خود می‌داند و حمله به اوکراین نیز تنها برای کسب چنین جایگاه انجام شده است. در مقابل، جریان لیبرال در روابط بین‌الملل، سعی بر آن دارد تا وقوع جنگ را به ضعف نهادهای دموکراتیک در کشورها و نبود نهادهای کارآمد و حقوق بین‌الملل نیرومند مرتبط سازد. از این نظرگاه، فقدان دموکراسی مهم‌ترین عامل وقوع جنگ در روابط بین دولت‌ها است. دموکراسی‌ها هیچ‌گاه با یکدیگر نمی‌جنگند، چراکه فرهنگ دموکراتیک و ساختارهای آن مذاکره را مسیری عقلانی‌تر برای حل اختلافات می‌دانند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۱). نبود دموکراسی سبب می‌شود تا کشورها در فقدان یک فرهنگ استوار بر سازش و مصالحه و در غیاب ساختارها و نهادهایی برای حل اختلافات از مسیر مذاکره، با سربرآوردن هر اختلافی به جنگ و نیروی نظامی متوسل شوند. تنها راه جلوگیری از جنگ، گسترش منطقه دموکراسی در سراسر جهان است. از این نظرگاه، روسیه به سبب ضعف فرهنگ دموکراتیک خود، به جای مذاکره، راه حل اختلافات را در جنگ جستجو می‌کند و همین عامل، مهم‌ترین دلیل تهاجم به اوکراین بوده است.

نظریه‌های روابط بین‌الملل از بعدی دیگر نیز جنگ اوکراین را تحلیل می‌کنند. برخی آثار با تکیه بر سطح تحلیل فردی، ویژگی‌های رهبری و سبک سیاست‌ورزی را مهم‌ترین عامل در حمله روسیه به اوکراین می‌دانند. از این نظرگاه، انگیزه‌های آغازین جنگ اوکراین را باید ناشی از ماهیت حکمرانی پوتین و سبک رهبری اقتدارگرایانه وی دانست. دو مکتب فکری دیگر، دلایل حمله روسیه به اوکراین را نه در داخل حکومت پوتین بلکه در واکنش وی به تهدیدات خارجی جستجو می‌کنند. از این سو برخی بر این باورند که دولت روسیه، دولتی توسعه-طلب است؛ اما این توسعه‌طلبی نه به سبب عوامل داخلی بلکه ناشی از متغیرهای امنیت بین-الملل است. در سویی دیگر، برخی تحلیل‌گران غرب را توسعه‌طلب می‌دانند و تهاجم روسیه را واکنشی بدین توسعه‌طلبی غرب تفسیر می‌کنند.

گرچه نمی‌توان غنای تحلیلی هر یک از این دیدگاه‌ها را نادیده گرفت و با پذیرش دستاوردهای نظری هریک از آن‌ها در تبیین ریشه‌های بحران اما باید پذیرفت که هیچ‌یک از این تحلیل‌ها نتوانسته‌اند بدین پرسش مهم پاسخ دهند که چرا روسیه و اوکراین علی‌رغم امکان مذاکره و حل و فصل اختلافات از مسیر راه‌حل‌های صلح‌آمیز، در نهایت جنگ را به‌عنوان گزینه‌ای برای پایان دادن به اختلافات برگزیدند؟ چرا علی‌رغم هزینه‌زا بودن گزینه جنگ و غیرقابل پیش‌بینی بودن فرجام آن، روسیه و اوکراین بر آن شدن تا از مجرای جنگ به

اختلافات خود پایان دهند؟ برای پاسخ به این پرسش مهم که هیچ‌یک از رویکردهای نظری فوق‌بدان نپرداخته‌اند، در این مقاله بر آنیم تا با بهره‌گیری از یافته‌های نظریه چانه‌زنی جنگ به چرایی انتخاب گزینه جنگ به جای مذاکره در اختلافات روسیه و اوکراین بپردازیم. در ابتدا به‌گونه‌ای موجز به نظریه چانه‌زنی جنگ می‌پردازیم.

خواست‌های روسیه از غرب و اوکراین: غیر قابل تقسیم بودن موضوعات محل اختلاف. آن‌گونه که به اشاره یادآور شدیم، پیش از حمله نظامی گسترده به اوکراین، وزارت خارجه روسیه با انتشار پیش‌نویس دو توافق با ناتو و آمریکا، مجموعه خواسته‌هایی را برای انجام مذاکره و توافق عرضه کرد. همچنین این کشور در هنگام حمله به اوکراین، مجموعه درخواست‌هایی را از کی‌یف طلب کرد که هیچ‌کدام مورد پذیرش غرب و اوکراین قرار نگرفت. در این بخش با نگاهی به ماهیت این درخواست‌ها و واکنش‌ها بدان، نشان خواهیم داد که چگونه غیرقابل تقسیم بودن موضوعات محل اختلاف، سبب عدم حل‌وفصل آنها از مسیر مذاکره و در نهایت آغاز جنگ شد.

مهم‌ترین خواسته روسیه از غرب، عدم گسترش این سازمان نظامی به مرزهای روسیه است. قابل پیش‌بینی بود که ناتو در مقام ابزار اصلی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در اروپا در طول جنگ سرد، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو به موضوع اصلی مناظرات استراتژیک تبدیل خواهد شد (Hass, 1997: 3). با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، واقع‌گرایان انتظار داشتند که ناتو به سرعت فروپاشد، اینان با استناد به این واقعیت نظری که اتحاد‌های نظامی همواره در برابر تهدیدی مشترک شکل می‌گیرند و با از بین رفتن این تهدید، اتحاد نظامی نیز از بین خواهد رفت، بر آن شدند که با فروپاشی شوروی و از میان رفتن تهدید کمونیسم؛ ناتو نیز منطقی موجودیت خود را از دست خواهد داد و اکنون باید سال‌های ناتو (برای پایان این اتحاد) شمرده شود (Waltz, 2000).

برخلاف پیش‌بینی واقع‌گرایان، ناتو نه تنها از بین نرفت؛ بلکه گسترش نیز یافت. در مقابل واقع‌گرایان، نولیبرال‌ها چنین استدلال می‌کردند که ناتو به تحقق شرایطی که منجر به وقوع صلح در اروپا پس از سال ۱۹۴۵ شد کمک کرده و بنابراین دوام آن محتمل است (Hemmer & Katzenstien, 2002: 576). به بیانی دیگر، تداوم ناتو نه تنها همه مفروضات واقع‌گرایانه را در خصوص انحلال اتحادیه‌ها در صورت فقدان یک تهدید خارجی به چالش طلبید، بلکه علی‌رغم این دیدگاه، ناتو بار دیگر به‌عنوان نهاد دفاعی اصلی و هسته نظام امنیتی اروپا سر برآورد (Bjola, 2002: 131). به این ترتیب در نتیجه تحولات داخلی اتحاد جماهیر شوروی از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد — که فروپاشی آن و پایان جنگ سرد را در پی داشت — راه تداوم حیات و

گسترش اتحادیه ناتو هموار شد. این در حالی بود که به‌رغم اظهارنظرهای شارحان این تفکر که فلسفه وجودی ناتو وابسته به مقتضیات زمانی دوران جنگ سرد و رویارویی‌های نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی دنیای دوقطبی است و از این رهگذر با فروپاشی این ساختار ناتو نیز همانند ورشو مضمحل خواهد شد، این سازمان همچنان به حیات خود ادامه داد.

پس از برگزاری اجلاس سران ناتو در لندن در ژوئیه ۱۹۹۰، در نوامبر همین سال، اتحادیه ناتو و ورشو معاهده نیروهای متعارف اروپا و یک اعلامیه مشترک در خصوص تعهد به عدم تجاوز که به منشور پاریس^۱ موسوم شد، امضاء کردند. متعاقب آن، همه اعضا کنفرانس امنیت و همکاری اروپا نیز منشور پاریس را در جهت ایجاد یک اروپای نوین امضاء کردند. پذیرش این تعهدات به‌مثابه پایان رسمی جنگ سرد در نظر گرفته شد؛ که این خود، به معنای ایجاد یک مبنای سیاسی و همکاری جویانه برای امنیت اروپا بود (Wallander, 2000: 717). در این تاریخ، اتحادیه ناتو و پیمان ورشو با صدور بیانیه‌ای مشترک یکدیگر را به‌عنوان نیروهای "غیر متخاصم" مورد شناسایی قرار دادند. آنچه در این معاهده بیش از همه محل اعتنا و توجه است، تأکید دو طرف بر اهمیت امنیت و توصیف آن در مقام مقوله‌ای «غیر قابل تقسیم» است. (Yost, 2001: 589). به بیانی دیگر، روسیه به‌عنوان جانشین اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای غربی عضو ناتو، امنیت را به‌عنوان موضوعی غیر قابل مصالحه برای یکدیگر در نظر گرفتند. امری که تا مدت‌ها سبب برقراری صلح نسبی در روابط دو طرف شد.

باوجود این، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، تمایل ناتو برای گسترش و عضویت کشورهای شرق اروپا در این اتحادیه از یک سو و تلاش روسیه برای بازیابی جایگاه خود در مقام قدرتی جهانی از سوی دیگر، سبب شد تا بار دیگر، چگونگی تعامل دو طرف در عرصه امنیتی به موضوعی چالش‌برانگیز تبدیل شود. ناتو در جریان تکوین موجودیت خود پس از جنگ سرد به تدریج سازوکارهایی را چه به لحاظ نهادی و چه به لحاظ عملی جهت گسترش اعضا و شرکای خود ایجاد کرد. برخی از مهم‌ترین این سازوکارها مشتمل بر «شورای همکاری آتلانتیک شمالی»^۱ (و نهاد جایگزین آن «شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک»^۲)، «طرح مشارکت برای صلح»^۳، «برنامه اقدام عضویت»^۴، و «طرح‌های اقدام عملی مشارکت انفرادی»^۵

1. Charter of Paris

2. North Atlantic Cooperation Council (NACC)

3. Euro-Atlantic Partnership Council (EAPC)

4. Partnership for Peace (PfP)

5. Membership Action Plan (MAP)

6. Individual Partnership Action Plans (IPAP)

هستند. تأسیس این نهادها و «سیاست درهای باز» ناتو (Nato, 2022) سبب شد تا به تدریج روابط روسیه و غرب در موضوع امنیت بار دیگر با تنش‌هایی شدید همراه شود. تردیدی نبود که روسیه به این تحولات واکنش نشان خواهد داد. نگرانی روسیه از روند گسترش ناتو را به خوبی می‌توان در اظهارات مقامات این کشور به ویژه ولادیمیر پوتین، مشاهده کرد. وی در سخنانی با صراحت اعلام کرد که هرگونه سیاستی برای گسترش ناتو با واکنش شدید روسیه مواجه خواهد شد (Kirby and Guyer, 2022).

با تشدید اختلافات روسیه و غرب بر سر سیاست گسترش ناتو و در جریان تنش‌های اخیر، وزارت خارجه روسیه بار دیگر با یادآوری توافقاتی دو طرفه، خواسته‌های خود را مطرح کرد. بر این اساس، در ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱، (۲۶ آذر ۱۴۰۰) وزارت امور خارجه روسیه با انتشار پیش‌نویس توافق روسیه - ناتو و روسیه - آمریکا، مجموعه‌ای تضمین‌های امنیتی را از سوی آمریکا و ناتو طلب کرد (Pifer, 2021:1). در این دو پیش‌نویس، روسیه با یادآوری توافقاتی دوجانبه، آمریکا و ناتو را به نقض این تعهدات و تخطی از آنها متهم کرد. در این پیش‌نویس آمده است که برای جلوگیری از تشدید تنش‌های موجود در شرق اروپا و مرز اوکراین، کشورهای عضو ناتو باید به تضمین‌های امنیتی توافق شده پایبند بمانند. تأکید این بیانیه بر آن است که ناتو با تعهد به اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد، قانون نهایی هلسینکی ۱۹۷۵ کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا^۱، قانون مؤسس ۱۹۹۷ در مورد روابط متقابل^۲، همکاری و امنیت بین فدراسیون روسیه و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۳، منشور سال ۱۹۹۴ در مورد جنبه‌های سیاسی - نظامی امنیت^۴، منشور امنیت اروپا در سال ۱۹۹۹^۵، و اعلامیه رم «روابط روسیه و ناتو: کیفیتی جدید»^۶ که توسط سران کشورها و دولت‌های روسیه در سال ۲۰۰۲، امضاء شد، ملزم به انجام اقدامات ذیل است (Nid.Pu, 2021):

۱. اعضای ناتو متعهد به عدم گسترش بیشتر ائتلاف، به ویژه عدم پذیرش در اوکراین در این سازمان هستند؛ ۲. ناتو هیچ نیرو یا سلاحی در کشورهایی که پس از می ۱۹۹۷ به این اتحاد ملحق شده‌اند مستقر نکند؛ (استقرار موشک‌های میان برد در مناطقی که بتوانند به

1. open-door policy

2. Helsinki Final Act of the Conference on Security and Co-operation in Europe 1975

3. Founding Act on Mutual Relations ۱۹۹۷

4. Cooperation and Security between the Russian Federation and the North Atlantic Treaty Organization

5. Code of Conduct on Politico-Military Aspects of Security, 1994

6. Charter for European Security 1999

7. Rome Declaration "Russia-NATO Relations: A New Quality

قلمرو طرف مقابل برسند؛ ممنوع است و؛ ۴. کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نباید هیچ گونه فعالیت نظامی در خاک اوکراین و همچنین سایر کشورهای اروپای شرقی، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی انجام دهند.

همچنین بر اساس توافق ایالات متحده آمریکا - روسیه نیز، واشنگتن ملزم به انجام اقدامات ذیل است (Nid.Pu,2021):

۱. در فعالیتهایی که امنیت روسیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشارکت نکرده و از اقدامات سایر کشورها نیز حمایت نکند؛ ۲. اطمینان از اینکه همه سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه‌های نظامی و ائتلاف‌هایی که حداقل یکی از طرف‌ها در آن مشارکت دارد، به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد پایبند باشند؛ ۳. نباید از قلمروهای سایر کشورها به منظور آماده‌سازی یا انجام حمله مسلحانه علیه طرف دیگر یا سایر اقداماتی که بر منافع امنیتی طرف دیگر تأثیر می‌گذارد، استفاده شود؛ ۴. ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود که از گسترش بیشتر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به سمت شرق جلوگیری و از الحاق جمهوری‌های سوسیالیستی سابق اتحاد جماهیر شوروی به ناتو خودداری کند. ایالات متحده آمریکا نباید در قلمرو کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق که عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیستند پایگاه‌های نظامی ایجاد کند یا از زیرساخت‌های آنها برای هرگونه فعالیت نظامی استفاده کند یا همکاری نظامی دوجانبه را با آنها توسعه دهد؛ ۵. از استقرار نیروهای مسلح و تسلیحات از جمله در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی، ائتلاف‌های نظامی یا ائتلاف‌ها، در مناطقی که این استقرار ممکن است توسط طرف دیگر به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی خود تلقی شود، خودداری کند؛ ۶. دو طرف متعهد می‌شوند که موشک‌های میان‌برد و کوتاه‌برد را در خارج از قلمرو ملی و همچنین در مناطقی از سرزمین‌های ملی خود که از آنجا چنین سلاح‌هایی می‌توانند به اهدافی در قلمرو ملی طرف دیگر حمله کنند، مستقر نکنند و؛ از استقرار تسلیحات هسته‌ای در خارج از قلمرو ملی خود خودداری کنند و چنین سلاح‌هایی را که در زمان لازم‌الاجرا شدن این معاهده در خارج از سرزمین‌های ملی خود مستقر شده‌اند به سرزمین‌های ملی خود بازگردانند.

این خواسته‌ها که در مجموع ممنوعیت ورود اوکراین به ناتو و محدودیت برای استقرار نیروها و تسلیحات در جناح شرقی ناتو بود، در واقع امر، بازگشت نیروهای ناتو به مرزهای پیش از سال ۱۹۹۷ و پیش از توسعه به سمت شرق را طلب می‌کرد. در ادامه مقامات مسکو با لحنی

آتشین مدعی شدند که نادیده گرفتن این خواسته‌ها زمینه‌ساز پاسخ نظامی مشابه با بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ خواهد بود (Roth, 2021).

پس از انتشار این دو پیش‌نویس، آن‌گونه که انتظار می‌رفت کشورهای عضو ناتو و ایالات متحده آمریکا با رد تفسیر روسیه از توافقات انجام‌شده، مسکو را به بازخوانی نادرست و تلاش برای فراهم کردن توجیهی برای حمله به اوکراین متهم کردند (Pifer, 2021). یکی از مقامات دولت بایدن در پاسخ به درخواست‌های روسیه، تصریح کرد: «ما در مورد اصول کلیدی که امنیت اروپا بر اساس آن بنا شده است سازش نخواهیم کرد. همه کشورها حق دارند درباره آینده و سیاست خارجی خود فارغ از مداخله خارجی تصمیم بگیرند و این برای اوکراین و متحدان ناتو و خود ائتلاف نیز صدق می‌کند» (Reevell, 2021). کشورهای اروپایی نیز هرگونه مصالحه‌ای بر سر عدم گسترش ناتو را رد و انجام آن را امری وابسته به اراده سیاسی کشورها، تفسیر کردند. در این میان، کشورهای غربی تنها با طرح روسیه برای مذاکره در باب کنترل تسلیحات در منطقه موافقت کردند، اما پذیرش تعهد به عدم گسترش ناتو یا عدم عضویت اوکراین در این سازمان و اتحادیه اروپا را خواسته‌هایی ناپذیرفتنی و نامعقول دانستند. مهم‌تر آنکه از نظرگاه کشورهای اروپایی، حمله به اوکراین تهدیدی علیه تمامیت این اتحادیه است و به این سبب در جریان نشست ۲۶ آوریل ۲۰۲۲ (۶ اردیبهشت ۱۴۰۱) در رامشتاین آلمان که به ابتکار آمریکا برگزار شد، کشورهای عضو بر آن شدند تا تلاش‌های برای حمایت نظامی از اوکراین را هماهنگ کنند (Maulny, 2022).

تقریرات فوق، گویای آن است که از نظرگاه مقامات غربی، موضوع گسترش ناتو به شرق، مقوله‌ای غیر قابل تقسیم است که هیچ‌گاه کنار گذاشته نخواهد شد. در مقابل مقامات روسی، این سیاست را تهدیدی وجودی علیه خود و واکنش شدید بدان را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تفسیر کردند. به بیانی دیگر، موضوع محل اختلاف یعنی عدم گسترش ناتو به شرق از دیدگاه کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا، مقوله‌ای مصالحه‌ناپذیر تلقی شد. از دید مقامات آمریکایی، تمامی کشورها بر اساس اصل اراده سیاسی و حق حاکمیت ملی، می‌توانند الحاق یا خروج از هر اتحادیه‌ای را انتخاب کنند و اجبار کشورها برای انجام یا خودداری از اجرای این تصمیم، پذیرفتنی نیست. در مقابل روسیه با قرائتی واقع‌گرایانه از توزیع قدرت در نظام جهانی، خواهان پذیرش نقش هژمونی خود در نظم امنیتی منطقه است (فریزر و اینگرسول، ۱۳۹۲). روسیه تضمین این نقش را امری مسلم و مصالحه‌ناپذیر تفسیر می‌کند. اسناد امنیت ملی روسیه، ضمن تأیید این نقش، توان نظامی و حتی کاربست تسلیحات هسته‌ای را پشتیبان

اجرای آن می‌داند. مقامات روسیه بر آن‌اند که در صورت تهدید این نقش، حق استفاده از نیروی نظامی را حقی محفوظ می‌دانند (Buchanan, 2021). تردیدی نیست که با چنین تفسیری، موضوع گسترش ناتو به شرق، امری ناپذیرفتنی و تهدیدی وجودی علیه روسیه است که بدان واکنش نشان می‌دهد. حمله اخیر روسیه به اوکراین با چنین برداشتی انجام شده است. مهم‌تر اینکه نقش جو بایدن در گسترش ناتو در زمان عضویت در کمیته خارجی سنا در دهه ۱۹۹۰ و حمایت خلل‌ناپذیر وی از این سیاست، بیش از پیش بر نگرانی‌های روسیه افزوده است؛ روسیه حتی با توسل به نیروی نظامی خواهان تضمین عدم الحاق کشورهای منطقه به-ویژه اوکراین به ناتو است (Haltiwanger, 2022). این اختلاف نظر یک «بحران گروگان‌گیری ژئوپلیتیکی»^۱ است و هیچ یک از طرفین تمایلی به عقب‌نشینی ندارند. آمریکا و متحدانش به‌صراحت بر آن‌اند که سیاست درهای باز ناتو غیر قابل مذاکره است، در حالی که روسیه درخواست خروج نیروها از مرز اوکراین را رد می‌کند. به بیانی دیگر، بحران کنونی در اوکراین، بحرانی شکل‌گرفته از ۳ دهه پیش است. بحران کنونی، بسیار گسترده‌تر از عضویت اوکراین در ناتو و امری مرتبط با نظم امنیتی اروپایی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. در طول دهه ۱۹۹۰، آمریکا و متحدانش یک معماری امنیتی فرا‌آتلانتیکی را طراحی کردند که در آن روسیه هیچ تعهد یا سهم روشنی نداشت و از زمانی که ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به قدرت رسید، روسیه این سیستم را به چالش کشیده است (Stent, 2022). پوتین در واکنش به سیاست درهای باز ناتو با لحنی آتشین، ناتو را به «کلاهبرداری»^۲ از روسیه متهم و مدعی شد که این سازمان به مسکو قول داده بود که حتی یک «اینچ» به سمت شرق، پیشروی نخواهد کرد (Davis, 2022). پوتین مدعی است که ناتو از ضعف روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای گسترش به شرق آن سوء استفاده کرده است؛ این در حالی است که مقامات غربی مدعی هستند در هیچ‌یک از توافق‌های انجام‌شده چنین قولی داده نشده است (Pifer, 2014). روشن است که با چنین اختلاف نظری، فضایی برای چانه‌زنی و حل اختلاف از مسیر مذاکره باقی نمی‌ماند.

درخواست‌های روسیه از اوکراین: مشکل تعهد. تأملی در ماهیت درخواست‌های روسیه از غرب به‌خوبی گواه این واقعیت بود که غیر قابل تقسیم بودن موضوع گسترش ناتو به شرق به سبب پیامدهای امنیتی آن سبب شد تا هیچ‌یک از طرفین، حاضر به حل این اختلاف از مسیر مذاکره نشوند. افزون بر این، روسیه با نگرانی از تحولاتی در آینده، مجموعه درخواست‌هایی را

¹. geopolitical hostage crisis

². swindled

از اوکراین طلب کرد. بررس این درخواست‌ها گویای آن است که علی‌رغم پذیرش آنها از سوی اوکراین در سال‌های قبل و تأکید مجدد مقامات این کشور به اجرای این تعهدات، روسیه با نگرانی از عدم انجام آنها در آینده، حاضر به پذیرش این تعهدات نشد و در نهایت به حمله نظامی متوسل شد. این همان مشکل تعهد است که پیش از این در نظریه چانه‌زنی جنگ بدان پرداختیم. اکنون با بررسی این خواسته‌ها و واکنش مقامات اوکراین، این استدلال را ارزیابی خواهیم کرد.

گرچه در ابتدای عملیات نظامی علیه اوکراین، ولادیمیر پوتین در یک سخنرانی عمومی، به مردم روسیه گفت که هدفش «غیرنظامی کردن و نازی‌زدایی اوکراین»^۱ و همچنین تضمین بی‌طرفی اوکراین است (en.kremlin.ru, 2022)، اما در ادامه، مقامات روسیه با بیانی شفاف‌تر، مجموعه خواسته‌های عینی را از اوکراین خواستار شدند.

دمیتری پسکوف^۲ سخنگوی کرملین، در مصاحبه‌ای، خواسته‌های روسیه از اوکراین را این‌چنین دسته‌بندی کرد: مسکو خواستار توقف عملیات نظامی اوکراین، تغییر قانون اساسی به منظور حفظ بی‌طرفی، به رسمیت شناختن کریمه به‌عنوان سرزمین روسیه و به رسمیت شناختن جمهوری‌های جدایی‌طلب دونتسک^۳ و لوهانسک^۴ به‌عنوان کشورهای مستقل است. پسکوف در مورد بی‌طرفی گفت: «آنها باید اصلاحاتی در قانون اساسی ایجاد کنند که بر اساس آن اوکراین هرگونه هدفی برای ورود به هر بلوکی را رد کند. این ما نیستیم که لوهانسک و دونتسک را از اوکراین جدا می‌کنیم بلکه، دونتسک و لوهانسک نمی‌خواهند بخشی از اوکراین باشند. اما این بدان معنا نیست که این دو منطقه و مردمان آن باید نابود شوند. صرف‌نظر از این دو منطقه، اوکراین یک کشور مستقل است که هر طور که بخواهد زندگی خواهد کرد، اما در شرایط بی‌طرفی» (Belton, 2022).

مصاحبه سخنگوی کرملین به‌خوبی بازتاب‌دهنده خواسته‌های روسیه از اوکراین است، خواسته‌هایی که همگی از سوی مقامات کیف بی‌اساس و ناپذیرفتنی تفسیر شدند. ولادیمیر زلینسکی، رئیس‌جمهور اوکراین به این درخواست‌ها واکنش نشان داد. وی در طرح این ادعا که اوکراین قصد دارد به عضویت ناتو درآید، تصریح کرد: «اوکراین به ناتو نخواهد پیوست، این یک حقیقت است و باید به رسمیت شناخته شود». وی بر آن شد تا این اختلاف را از مسیر

1. demilitarise and de-Nazify Ukraine

2. Dmitry Peskov

3. Donetsk

4. Lugansk

مذاکره با روسیه حل‌وفصل کند؛ اما پس از آشکار شدن اقدامات روسیه در بوخا^۱، ماریوپل^۲ و جاهای دیگر، زلینسکی به‌صراحت اعلام کرد؛ تا زمانی که روسیه از تمام سرزمین‌هایی که از ۲۴ فوریه تصرف شده است خارج نشود، دیگر گفتگویی انجام نخواهد شد. اوکراین در مقابل طرح بی‌طرفی در رقابت بین روسیه و غرب نیز، مدعی شد: (Kirby, 2022).

اوکراین به یک کشور «غیرمتعهد»^۳ و «غیرهسته‌ای»^۴ تبدیل می‌شود که پایگاه یا نیروی نظامی خارجی در خاک خود ندارد؛ ضمانت‌های سخت‌گیرانه و الزام‌آور قانونی، سایر کشورها را ملزم می‌کند که از اوکراین بی‌طرف در صورت حمله محافظت کنند؛ کشورهای ضامن باید ظرف سه روز رایزنی و از اوکراین دفاع کنند؛ اوکراین اجازه خواهد داشت به اتحادیه اروپا بپیوندد اما وارد ائتلاف‌های نظامی - سیاسی نخواهد شد و هرگونه مانور نظامی بین‌المللی مستلزم رضایت کشورهای ضامن است و؛ وضعیت آتی کریمه الحاق شده به روسیه طی ۱۵ سال آینده مورد مذاکره قرار خواهد گرفت.

پاسخ رئیس‌جمهور اوکراین به طرح خواسته‌های روسیه نشان داد که بسیاری از این خواسته‌ها پیش از این انجام شده و اوکراین همچنان بدان‌ها متعهد بوده است. در چنین شرایطی پرسش این است که چرا روسیه به‌جای اعتماد به این تعهدات بر آن شد تا با حمله نظامی، انجام آن‌ها را تضمین کند؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان با تغییر وضعیت نظامی اوکراین از سال ۲۰۱۴ به بعد و برداشت روسیه از آن جستجو کرد.

۳. کمک‌های نظامی غرب به اوکراین: برهم خوردن توازن

پیش از این یادآور شدیم که مخالفت غرب با درخواست روسیه برای عدم گسترش ناتو به شرق و برداشت روسیه از این سیاست در مقام تهدید امنیتی و همچنین عدم اعتماد به تعهدات اوکراین برای عدم عضویت در ناتو یا بی‌طرفی نظامی، در نهایت زمینه‌ساز حمله روسیه به اوکراین شد. در این بخش در پاسخ به چرایی عدم اطمینان روسیه به تعهدات اوکراین، برنامه کمک‌های تسلیحاتی غرب به اوکراین را بررسی و نشان خواهیم داد که نگرانی روسیه از تغییر قدرت نسبی نظامی کیف و در نتیجه عدم انجام تعهدات پس از این تغییر قدرت، سبب شد تا مسکو به‌جای مذاکره، بر آن شود تا اختلافات را از مسیر جنگ خاتمه دهد.

1. Bucha

2. Mariupol

3. non-aligned

4. non-nuclear

همکاری‌های امنیتی ایالات متحده آمریکا و اوکراین رابطه دفاعی نسبتاً جدیدی است که تنها پس از اعتراضات مردمی علیه رئیس‌جمهور سابق اوکراین، ویکتور یانوکویچ و برکناری وی از قدرت و همچنین الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ آغاز شد. آمار نشان می‌دهد که آمریکا اصلی‌ترین تأمین‌کننده کمک‌های نظامی به اوکراین از سال ۲۰۱۴ تاکنون بوده است. بر این اساس، مجموع کمک‌های آمریکا به اوکراین به رقم بی‌سابقه ۷.۳ میلیارد دلار تا ماه ژوئن ۲۰۲۲ رسیده است (state.gov, 2022). تنها با آغاز جنگ در فوریه ۲۰۲۲، دولت بایدن در مجموع بیش از ۴.۶ میلیارد دلار کمک امنیتی برای «تأمین تجهیزات مورد نیاز اوکراین برای دفاع از خود» متعهد شده است. این کمک‌ها در قالب برنامه‌های متنوعی چون ارسال تجهیزات نظامی و آموزش نیروهای نظامی اوکراین انجام شده است. کمک‌های نظامی ایالات متحده آمریکا عمدتاً از مسیر طرح کمک‌های امنیتی اوکراین وزارت دفاع^۱ (۱.۳۵ میلیارد دلار) و برنامه تأمین مالی نظامی خارجی وزارت امور خارجه^۲ (۷۲۱ میلیون دلار) انجام شده است. بر اساس گزارش نهاد نظارت بر کمک‌های امنیتی^۳، این بسته‌ها و چندین بسته دیگر، از جمله از برنامه آموزش نظامی بین‌المللی، اوکراین را در زمره مهم‌ترین دریافت‌کنندگان کمک‌های نظامی آمریکا قرار داده است. بر این اساس بین سال‌های مالی ۲۰۱۶ تا سال مالی ۲۰۲۰ اوکراین در رتبه هفتم جهانی و بزرگ‌ترین دریافت‌کننده این کمک‌های نظامی در اروپا بوده است (Schadler, 2022). افزون بر کمک‌های مالی و تجهیزات نظامی، آمریکا بین سال‌های مالی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ به بیش از ۱۰۶۲۹ نیروی اوکراینی، خدمات آموزش نظامی را ارائه کرده است (Yousif, 2022).

با وجود این، حساسیت‌های دیپلماتیک و سیاسی در روابط با روسیه، سبب تحمیل برخی محدودیت‌های در کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین شد. در نتیجه این ملاحظات، ارسال تجهیزات نظامی آمریکا به اوکراین به ادوات نظامی سبکی همچون پهپادهای غیرمسلح، رادارهای ضد خمپاره و دستگاه‌های دید در شب محدود شد. با تغییر این سیاست در دوران ترامپ، آمریکا بار دیگر در سال ۲۰۱۷ سیاست ارسال تجهیزات نظامی پیشرفته از جمله موشک‌های ضد تانک جاولین^۴ که تنها در اختیار متحدان ناتو قرار داشت را به اوکراین از سر گرفت (Bowden, 2017). ارسال این تجهیزات برای روسیه و اوکراین اهمیتی نمادین داشت و از تشدید تنش‌ها، صف‌بندی‌های نظامی و انحرافی آشکار از سیاست پیشین آمریکا حکایت می‌کرد. گرچه باید این واقعیت را در نظر داشت که علی‌رغم ارسال تجهیزات نظامی سنگین به

¹. Department of Defense's Ukraine Security Assistance Initiative

². Department of State's Foreign Military Financing program

³. Security Assistance Monitor

⁴. Javelin anti-tank missiles

اوکراین، آمریکا بر آن بود که این کمک‌ها به بحرانی دیگر در منطقه منتهی نشود؛ امری که بعدها روشن شد، مقامات روسی، برداشتی متفاوت از آن دارند.

روی کارآمدن دولت بایدن در آمریکا و حضور نیروهای نظامی روسیه در مرزهای اوکراین، بر شدت بحران در منطقه افزود. افزون بر این با تهاجمی‌تر شدن سیاست‌های مسکو، کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین نیز افزایش قابل توجهی یافت. در نتیجه این تحولات، در نوامبر ۲۰۲۱، واشنگتن و کی‌یف توافق‌نامه ایالات متحده آمریکا و اوکراین درباره مشارکت استراتژیک^۲ را امضا کردند، توافقی که تعهدات امنیتی روشن آمریکا در برابر اوکراین را تضمین می‌کرد (state.gov, 2021). آنچه بیش از همه مهم می‌نماید این است که در این توافق‌نامه به وضوح بیان شد که هدف از ادامه کمک‌های ایالات متحده آمریکا به اوکراین «مقابله با تجاوز روسیه» است. در تحولی مهم و در ژانویه ۲۰۲۲ و در زمانیکه تنش‌ها در مرز اوکراین به بالاترین حد خود رسیده بود، آمریکا مجموعه کمک‌های نظامی سنگین و سبک به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار را به اوکراین ارسال کرد (Yousif, 2022). افزون بر این بر اساس «فرمان ریاست جمهوری دراودان»^۳ رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند در پاسخ به یک «وضعیت اضطراری و پیش‌بینی‌نشده»^۴، بدون مجوز کنگره، کمک‌های نظامی به یک کشور خارجی عرضه کند، دولت بایدن از ژانویه ۲۰۲۱ تاکنون، ۱۱ فرمان به ارزش ۴.۲۶ میلیارد دلار را صادر کرده است (crsreports.congress.gov, 2022).

وزارت دفاع آمریکا نیز بر اساس فرمان‌هایی همچون ظرفیت شریک‌سازی^۱، ساخت نهادهای دفاعی^۲ و آموزش و تمرین نظامی بین‌المللی^۳ کمک‌هایی را به اوکراین ارسال کرده است. این کمک‌ها، آموزش نظامی حرفه‌ای را در مؤسسات دفاعی ایالات متحده آمریکا برای افسران ارتش اوکراین فراهم کرده است. سایر کمک‌های امنیتی وزارت امور خارجه و وزارت دفاع نیز مواردی همچون تخریب سلاح‌های متعارف، امنیت مرزی و آموزش اجرای قانون را شامل شده است. همچنین پیش از حمله نظامی روسیه، ایالات متحده آمریکا از طریق یک کارگروه آموزشی که در سال ۲۰۱۵ در غرب اوکراین تأسیس شده بود، وظیفه آموزش نیروهای اوکراینی را بر عهده داشت. این آموزش‌ها با آغاز حمله روسیه تعلیق شد اما باردیگر در سال ۲۰۲۱، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد آموزش نیروهای اوکراینی را در خارج از این کشور، به طور خاص برای استفاده از سامانه‌های نظامی و متحدانش از سر می‌گیرد (crsreports.congress.gov, 2022).

1. U.S.-Ukraine Charter on Strategic Partnership

2. Presidential Drawdown Authority (PDA)

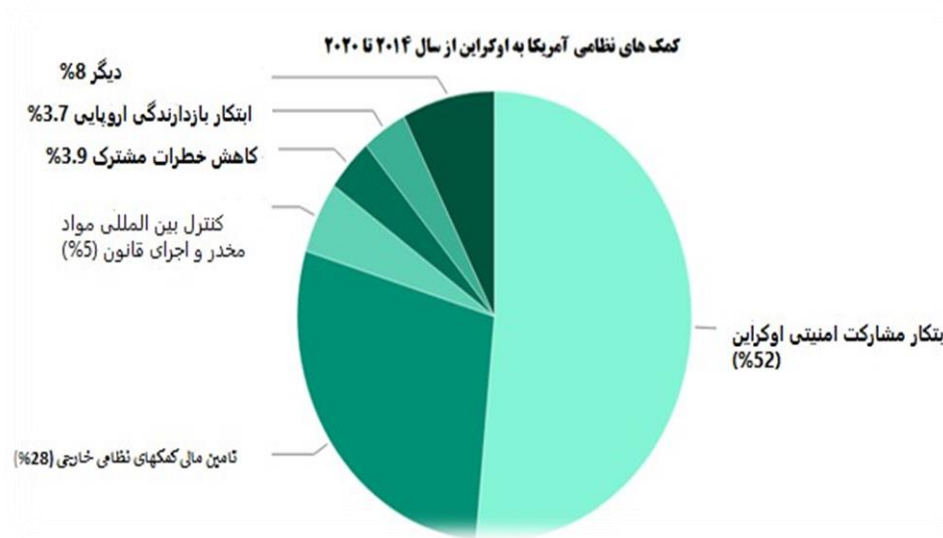
3. unforeseen emergency

4. Building Partner Capacity

5. Defense Institution Building

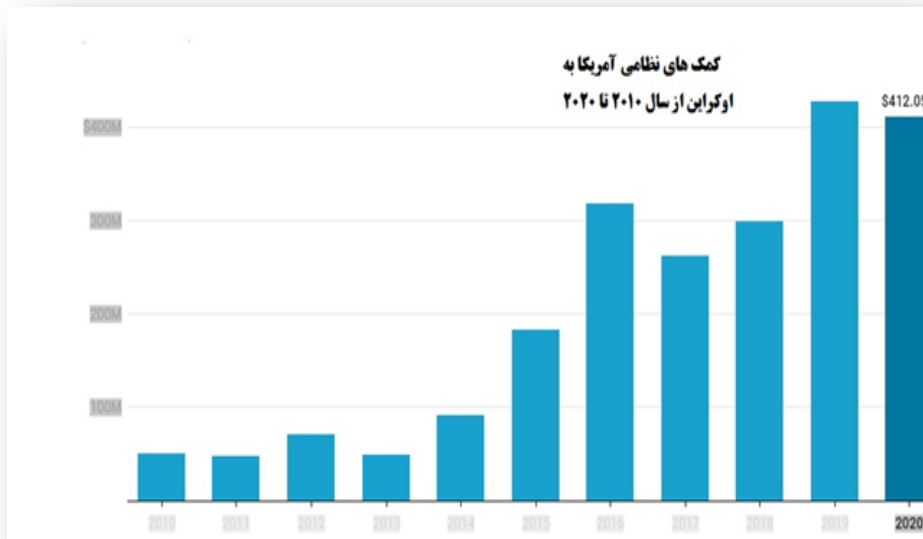
6. International Military Education and Training (IMET)

نمودار ۱. کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰



Source: Security Assistance Monitor 2020

نمودار ۲. کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰



Source: Security Assistance Monitor 2020

مجموع این کمک‌های نظامی گویای تغییر نسبی قدرت نظامی غرب و اوکراین در برابر روسیه بود. انجام این کمک‌ها سبب شد تا مقامات روسیه بدان واکنش نشان دهند. اظهارات مقامات مسکو به خوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه از این تغییر قدرت و در نتیجه عدم انجام تعهدات از سوی اوکراین نگران بودند. افزون بر کمک‌های نظامی آمریکا، می‌توان به ارسال تجهیزات نظامی از سوی کشورهای اروپایی همچون بریتانیا و آلمان نیز اشاره کرد. دمیتری پسکوف در واکنش به تحولات نظامی در اوکراین پس از سال ۲۰۱۴ به صراحت مدعی شد: «وضعیت اوکراین نسبت به سال ۲۰۱۴ و در زمانی که روسیه ۱۵۰ هزار سرباز در مرز خود با اوکراین مستقر کرده بود، تهدیدی بسیار بزرگتر برای امنیت روسیه ایجاد کرده است. در آن زمان ترس از تهاجم گسترده روسیه وجود داشت اما این کشور تنها به الحاق شبه جزیره کریمه، قناعت کرد. از آن زمان وضعیت برای ما بدتر شده است. در سال ۲۰۱۴، آنها شروع به ارسال سلاح به اوکراین و آماده سازی ارتش برای ناتو کردند و آن را با استانداردهای ناتو مطابقت دادند». در نتیجه روسیه باید در مواجهه با تهدید ناتو، عمل کند. در تهدید ناتو، مسأله تنها زمان است. باید پیش از آنکه ناتو، همانند لهستان و رومانی، موشک‌هایی را در اوکراین، مستقر کند، عمل کنیم. ما فقط فهمیدیم که دیگر نمی‌توانیم این را تحمل کنیم. باید عمل می‌کردیم (Belton, 2022).

بدین‌سان، می‌توان چنین نتیجه گرفت که پس از سال ۲۰۱۴ و ارسال تجهیزات نظامی به اوکراین، از نظرگاه مقامات روسیه، موازنه قدرت به سود غرب در حال تغییر بود و این کشور ناچار به واکنش شده است. تغییر نسبی قدرت، مقوله‌ای قابل حل از مسیر مذاکره نبود و روسیه نمی‌توانست به وعده‌ها و تعهدات اوکراین اعتماد کند و به همین سبب ناچار به واکنش از مسیر حمله نظامی شد. تحولات آتی به‌ویژه نشست سالانه ناتو در واشنگتن در سال ۲۰۲۴ و تأکید بر اینکه مسیر اوکراین برای عضویت در ناتو "بازگشت ناپذیر" است (Tagesschau, 2024) نشان داد که نگرانی‌های روسیه درباره اینکه با تغییر موازنه قدرت، غرب و اوکراین به تعهدات خود عمل نخواهند کرد، دور از واقعیت نبوده است.

نتیجه‌گیری

از بررسی خواسته‌های روسیه و غرب چنین برمی‌آید که از یک سو نه غرب اراده توقف گسترش ناتو را دارد و نه روسیه می‌توانست به تعهد اوکراین برای عدم عضویت در ناتو اعتماد کند. سیاست گسترش ناتو به شرق در مقام یکی از اصلی‌ترین مسیرهای غرب برای شکل‌دهی

به نظم امنیتی، سیاسی و اقتصادی اروپای شرقی و آسیای مرکزی و قفقاز، بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی کلان غرب در منطقه است که به نظر می‌رسد در هیچ شرایطی حاضر به تغییر آن نیست. غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا، گسترش ناتو به منطقه را بخشی از استراتژی کلان خود برای مقابله با تهدید آفرینی روسیه و در سطحی دیگر مقابله با نفوذ چین می‌داند؛ از این روی بر آن‌اند که این سیاست باید بدون هیچ‌گونه توقفی همچنان تداول داشته باشد. به بیانی نظری، گسترش ناتو به شرق موضوعی غیرقابل تقسیم است که هیچ‌گاه نمی‌توان بر سر آن با روسیه و یا حتی چین مصالحه کرد.

در سویی دیگر، گرچه اوکراین پیش از جنگ بارها به‌صراحت اعلام کرده بود که قصدی برای پیوستن به ناتو ندارد؛ اما سیر تطور مواضع سیاسی، سیاست‌های اقتصادی و از همه مهم‌تر استراتژی نظامی غرب گویای آن بود که روسیه نمی‌تواند به تعهد اوکراین برای عدم عضویت در ناتو اعتماد کند. از نظرگاه رهبران روسیه، اوکراین اکنون به سبب آنکه از نظر نظامی نمی‌تواند با قدرت روسیه برابری کند، از عدم عضویت در ناتو سخن می‌گوید؛ اما با ادامه کم‌های نظامی غرب و همچنین تضعیف توان نظامی روسیه، اوکراین نیت اصلی خود برای پیوستن به ناتو را آشکار خواهد کرد. بدین‌سان چالش عمده روسیه با اوکراین مشکل تعهد است؛ اینکه نمی‌تواند به تعهد اوکراین در بلندمدت اعتماد کند و به همین سبب اکنون جز حمله نظامی و تغییر موازنه قدرت به سود خود هیچ گزینه دیگری پیش رو ندارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از یک سو غیر قابل تقسیم بودن خواسته‌های روسیه از غرب و از سوی دیگر مشکل تعهد اوکراین و عدم اعتماد روسیه به این تعهد، مهم‌ترین عوامل در سر برآوردن جنگ در سال ۲۰۲۲ بود.

منابع و مآخذ

فارسی

استوارت رابرت و فریزر دریک اینگرسول (۱۳۹۲)، **نظم‌های امنیتی و قدرت‌های منطقه**، ترجمه سید داود آقایی و مجید محمدشریفی، تهران، نشر دادگستر.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸) **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران، انتشارات سمت.

لاتین

Addressed by the President of the Russian Federation (2022), February 24, 2022,
Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/67843>.

- Agreement on measures to ensure the security of The Russian Federation and member States of the North Atlantic Treaty Organization**, 17 December 2021, Available at: https://mid.ru/ru/foreign_policy/rso/nato/1790803/?lang=en.
- BBC** (2015), **Ukraine ceasefire: New Minsk agreement key points**, 12 February 2015, Available at: <https://www.bbc.com/news/world-europe-31436513>.
- Belton, Catherine (2022), **Russia will stop 'in a moment' if Ukraine meets terms – Kremlin**, March 7, 2022, Available at: <https://www.reuters.com/world/kremlin-says-russian-military-action-will-stop-moment-if-ukraine-meets-2022-03-07/>.
- Berkhead, Samantha and Pjotr Sauer (2021), **Russia Issues Demands to Limit NATO's Influence in Post-Soviet Space, Eastern Europe**, Dec. 20, 2021, Available at: <https://www.themoscowtimes.com/2021/12/17/russia-issues-demands-to-limit-natos-influence-in-post-soviet-space-eastern-europe-a75857>.
- Bigg, Matthew, Mpoke (2022), **A timeline of the tensions between Russia and Ukraine**, April 13, 2022, Available at: <https://www.nytimes.com/2022/02/18/world/europe/russia-ukraine-timeline.html>.
- Bowden, John (2017), **Trump gives green light to selling lethal arms to Ukraine**, 12/20/17, Available at: <https://thehill.com/policy/international/365906-trump-administration-approves-lethal-arms-sales-to-ukraine/>.
- Buchanan, Elizabeth (2021), **Russia's 2021 National Security Strategy: Cool Change Forecasted for the Polar Regions**, 14 July 2021, Available at: <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/russias-2021-national-security-strategy-cool-change-forecasted-polar-regions>.
- CFR** (2022), **Conflict in Ukraine**, May 12, 2022, Available at: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/conflict-ukraine>.
- Conant, E. (2014), **Behind the Headlines: History and Geography Help Explain Ukraine Crisis**, Accessed 14th of April 2020. Available at: <https://www.nationalgeographic.com/news/2014/2/140224-ukraine-protests-president-ousted-history-geography-background>.
- crsreports.congress.gov**(2022), **U.S. Security Assistance to Ukraine**, June 6, 2022, <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF12040#:~:text=From%202014%2C%20when%20Russia%20first,war%2C%20the%20Biden%20Administration%20has>.
- D'Anieri Paul (2019), **Ukraine and Russia, From Civilized Divorce to Uncivil War**, University of California, Riverside.
- Duncan Allan(2022), **The Minsk Conundrum: Western Policy and Russia's War in Eastern Ukraine**, 22 MAY 2020, Available at: <https://www.chathamhouse.org/2020/05/minsk-conundrum-western-policy-and-russias-war-eastern-ukraine-0/minsk-2-agreement>.
- Eckel, Mike (2018), **U.S. Imposes New Sanctions Over Ukraine Conflict As U.S., Russian Envoys Set To Meet**, January 26, 2018, Available at: <https://www.rferl.org/a/russia-new-u-s-sanctions-ukraine/29000684.html>.
- En.kremlin.ru, (2022) **Address by the President of the Russian Federation** (2022), February 24, 2022, Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/67843>.
- Fearon, James D. (1995) **Rationalist Explanations for War**, **International Organization**, Vol. 49, No. 3, pp. 379 – 41
- Goemans ,H.E.(2000) **War & Punishment: The Causes of War Termination and the First World War**, Princeton, NJ : Princeton University Press .

- Haass, N. Richard (1997), **Enlarging NATO: A Questionable Idea Whose Time Has Come**, March 1, 1997, Available at: <https://www.brookings.edu/research/enlarging-nato-a-questionable-idea-whose-time-has-come/>.
- Haltiwanger, John (2022), **Biden played a key role in NATO's expansion east in the '90s, which Putin is now threatening to invade Ukraine over**, Feb 2, 2022, Available at: <https://www.businessinsider.com/biden-helped-nato-expand-in-the-90s-which-putin-now-threatening-war-over-2022-2?r=US&IR=T>.
- Higgins, A. (2014), **A Ukraine City Spins Beyond the Government's Reach.**, Accessed 14th of April 2020. Available: <https://www.nytimes.com/2014/02/16/world/europe/a-ukraine-city-spins-beyondthe-governments-reach.html?>
- Jervis, Robert (1976), **Perception and Misperception in International Politics**, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Karmnau, Yuras (2021) **Ukraine now says 90,000 Russian troops not far from the border**, November 3, 2021, Available at: <https://apnews.com/article/europe-russia-ukraine-f356c933c1ac8993aee383ed30d1e017>.
- Kirby, Jen and Jonathan Guyer (2022), **Russia's war in Ukraine**, explained, Mar 6, 2022, Available at: <https://www.vox.com/2022/2/23/22948534/russia-ukraine-war-putin-explosions-invasion-explained>.
- Maulny, Jean-Pierre (2022), **Guerre en Ukraine : la livraison d'armes n'est plus taboue**, 3 mai 2022, <https://www.iris-france.org/167222-guerre-en-ukraine-la-livraison-darmes-nest-plus-taboue/>.
- Mearsheimer, John (2014), **Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault: The Liberal Delusions That Provoked Putin**, **Foreign Affairs**, September/October 2014 Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/russia-fsu/2014-08-18/why-ukraine-crisis-west-s-fault>.
- Mearsheimer, John (2001), **The Tragedy of Great Power Politics**, New York: W.W. Norton & Company.
- Mid.ru (2021), **Agreement on measures to ensure the security of The Russian Federation and member States of the North Atlantic Treaty Organization**, 17 December 2021, Available at: https://mid.ru/ru/foreign_policy/rso/nato/1790803/?lang=en
- Moore, Barrington(1966), **Social Origins of Dictatorship and Democracy: Lord and Peasant in the Making of the Modern World**, Boston, MA : Beacon Press.
- Nato (2021), **Agreement on measures to ensure the security of The Russian Federation and member States of the North Atlantic Treaty Organization**, 17 December 2021, Available at: https://mid.ru/ru/foreign_policy/rso/nato/1790803/?lang=en.
- Paul, Kirby (2022), **why has Russia invaded Ukraine and what does Putin want?** 9 may 2022, Available at: <https://www.bbc.co.uk/news/world-europe-56720589>.
- Pifer, Steven (2021) **Russia's draft agreements with NATO and the United States: Intended for rejection?** December 21, 2021, Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2021/12/21/russias-draft-agreements-with-nato-and-the-united-states-intended-for-rejection/>.
- Powell, Robert (2002) **The Bargaining Theory and International Conflict**, **Annual Review of Political Science**, vol (5): pp. 1 – 30.
- Reevell, Patrick (2021), **Russia makes sweeping demands for security guarantees from US amid Ukraine tensions**, 18 December 2021, Available at: <https://abcnews.go.com/International/russia-makes-sweeping-demands-security-guarantees-us-amid/story?id=81821816>.

- RFE/RL (2018), **Ukraine Launches Air Exercises With NATO Countries**, October 08, 2018, Available at: <https://www.rferl.org/a/ukraine-launches-air-exercises-with-nato-countries/29532389.html>.
- Richter, Wolfgang (2022), **NATO-Russia Tensions: Putin Orders Invasion of Ukraine**, **SWP Comment**, No.16, March 2022, Available at: https://www.swpberlin.org/publications/products/comments/2022C16_NATO-Russia_Tensions.pdf.
- Roth, Andrew (2021), **Russia issues list of demands it says must be met to lower tensions in Europe**, 17 Dec 2021, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2021/dec/17/russia-issues-list-demands-tensions-europe-ukraine-nato>.
- Russia-Ukraine crisis: Are Putin's Troops and What are His Options?** Where 14 Feb. 2022, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2021/dec/17/russia-ukraine-crisis-putin-troops-visual-guide-explainer>.
- Schadler, Olivia (2022), **Security Assistance in Focus: Ukraine**, Available at: <https://securityassistance.org/publications/security-assistance-in-focus-ukraine/>.
- Schelling , Thomas C. (1960) **The Strategy of Conflict**. Cambridge, MA : **Harvard Science**, Vol 44, No.3, pp. 469 – 84.
- Sharkov, Damien (2017), **U.S. Army Sends Two Tank Brigades to Europe Amid Russia Tensions**, 9/13/17, Available at: <https://www.newsweek.com/us-army-sends-two-tank-brigades-europe-amid-russia-tensions-664258>.
- Slantchev, Branislav L.(2003) **The Principle of Convergence in Wartime Negotiations**, **American Political Science Review**, Vol 97 , No. 4(November): 621 – 32 .
- state.gov (2021), **U.S.-Ukraine Charter on Strategic Partnership**, NOVEMBER 10, 2021, Available at: <https://www.state.gov/u-s-ukraine-charter-on-strategic-partnership/>.
- State.gov (2022), **U.S. Security Cooperation with Ukraine**, JUNE 1, 2022, Available at: <https://www.state.gov/u-s-security-cooperation-with-ukraine/>.
- Stent, Angela (2022), **The Putin Doctrine**, January 27, 2022, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/ukraine/2022-01-27/putin-doctrine>.
- Stoner, Kathryn and Michael McFaul (2015) **Who Lost Russia (This Time)? Vladimi Putin**, **The Washington Quarterly**, Vol 38, No.2 , pp.167–187.
- Tagesschau (2024), **Weg der Ukraine in die NATO “unumkehrbar”**, available at: <https://www.tagesschau.de/ausland/amerika/nato-gipfel-ukraine-100.html#:~:text=Die%20NATO%20sieht%20die%20Ukraine,Mitglieder%20wohl%20trotzdem%20nicht%20aussprechen>.
- The Treaty between The United States of America and the Russian Federation on security guarantees**, 17 December 2021, available at: https://mid.ru/ru/foreign_policy/rso/nato/1790818/?lang=en
- Van Tol J. et. Al., (2022), **Deterrence and Defense in the Baltic Region, New Realities, Center for Strategic and Budgetary Assessments**, Washington 2022.
- VOA News (2018), **US Announces Sale of Lethal Aid to Ukraine**, March 01, 2018, Available at: <https://www.voanews.com/a/us-announces-sale-of-lethal-aid-to-ukraine/4277150.html>.
- Wagner, R. Harrison (2000) **Bargaining and War**, **American Journal of Political Science**, Vol. 44, No. 3, pp. 469-484.
- Waltz, K.N. (1959) **Man, the State and War. A Theoretical Analysis**, Columbia University Press, New York.

- Waltz, Kenneth (2000), **NATO Expansion: A Realist's View**, *Contemporary Security Policy*, Vol. 21, No.2, pp. 23-38.
- Washington Post (2014), **Timeline: Key events in Ukraine's ongoing crisis**, May 12, 2014, Available at: https://www.washingtonpost.com/world/europe/timeline-key-events-in-ukraines-ongoing-crisis/2014/05/07/a15b84e6-d604-11e3-8a78-8fe50322a72c_story.html.
- Wolfgang, Richter (2023), **Russlands Angriffskrieg gegen die Ukraine: Vorbereitung, Kriegsverlauf, Ressourcen, Risiken, Folgerungen**, Friedrich-Ebert-Stiftung, available at: <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/wien/20886.pdf>.
- Yousif, Elias (2022), **U.S. Military Assistance to Ukraine**, January 26, 2022, Available at: <https://www.stimson.org/2022/u-s-military-assistance-to-ukraine/>.